



بال‌های پرواز

«گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در
جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت»

«بنیاد آموزش‌های انقلابی»



@mabnaha





شناسنامه اثر

نام اثر: بال‌های پرواز

تهیه شده در بنیاد آموزش‌های انقلابی

تحقیق و تدوین: معاونت محتوایی

صفحه آرایی: معاونت رسانه و گفتمان سازی

بال‌های پرواز؛ گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب
در جمع دانش‌آموختگان دوره طرح ولایت.
عنوان و نام پدیدآور: معاونت محتوایی بنیاد آموزش‌های انقلابی.
مشخصات نشر: قم: بنیاد آموزش‌های انقلابی، ۱۳۹۹.
قطع کتاب: وزیری
قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبا

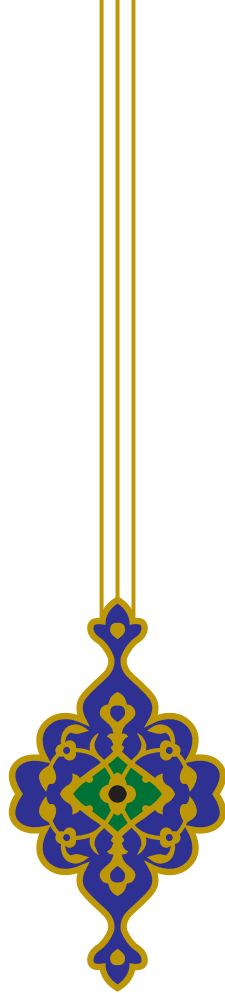
تمامی حقوق این اثر متعلق به بنیاد آموزش‌های انقلابی می‌باشد

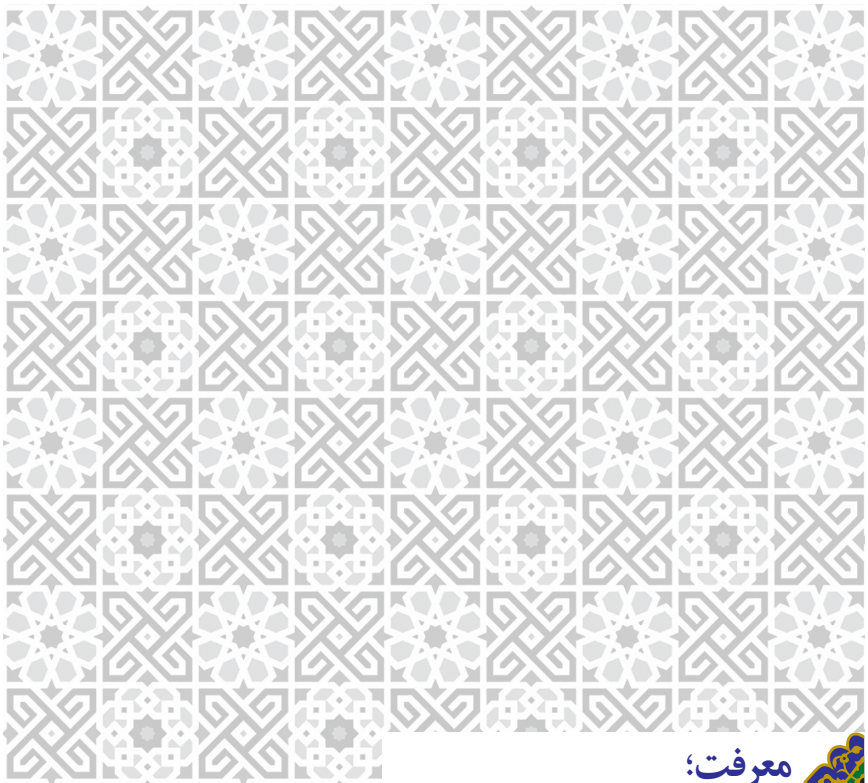
Mabnaha.ir



فهرست مطالب

- ۶ معرفت؛ پایه حرکت‌های بزرگ در تاریخ اسلام
- ۹ بال‌های پرواز
- ۱۲ هدفدار شدن زندگی و مبارزه
- ۱۴ عرصه‌های مجاهدت در جمهوری اسلامی
- ۱۹ سه هدف بزرگ انقلاب
- ۲۲ مهمترین ابزار پیشرفت
- ۲۵ علیکم بالاحداث؛ برشما باد به جوانان
- ۲۷ طرح ولایت بایستی فراگیر شود





معرفت؛



پایه حرکت های بزرگ در تاریخ اسلام

«انقلاب به آن عظمت در سایه معرفت آموزی به دست آمد. همیشه آن کسانی که راهها را باز می کنند، مانعها را برمی دارند، کوههای بزرگ را می شکافند و به پیش می تازند و دیگران به دنبال آنها حرکت می کنند، گروه زبده ای هستند که سلاح عمده آنها معرفت است. می دانند چه می خواهند. می دانند دنبال چه می روند. همین دانستن، عزم راسخ را به آنها می دهد. احساس خستگی و سستی از آنها دور می شود. خاصیت ایمان ناب دینی همین است. همه این مجاهدت های عظیم، همه این حرکت های بزرگی که شما در تاریخ اسلام مشاهده کرده اید، ناشی از این است. در غیر حوزه دینی

هم باز معرفت‌ها، آگاهی‌ها و اراده‌هایی که پشت سر آن بسیج می‌شده است، کارهای مهمتر و بزرگتری را انجام داده است»^۱.

«امروز معرفت و آگاهی شما باید آنچنان راه را در مقابل شما روشن کند که بتوانید کارهای بسیار بزرگی را که در این دهه و دهه بعد بر دوش شما جوانان است، انجام دهید. **انقلاب اسلامی رسالتش فقط تشکیل یک حکومتی با نام اسلامی نبود. بسیاری از شکوفه‌های این درخت تناور هنوز باز نشده است.** این شکوفه‌ها را این نسل باید باز کند. این درخت را این نسل باید به ثمر برساند... کار و جاده مستقیم صراط الهی هنوز و همچنان دعوت می‌کند روندگان پر استقامت را که بروند و قله‌های تازه‌ای را فتح کنند»^۲.

«عزیزان من! فکر پایه اول است. توأم کردن فکر با عمل بر طبق اندیشه پایه دوم است.» (الذین امنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم حسن مآب) **وقتی فکر و عمل را انسان با هم همراه کرد آن وقت تفضلات الهی، انوار رحمت و هدایت به سمت دلها سرازیر می‌شود.** اطمینان، سکینه، آرامش و امید در انسان بوجود می‌آید. یک مجموعه‌ای که این خصوصیات را داشته باشد از تمام موانع می‌تواند عبور کند ما این را داریم. این حادثه عظیم - ایجاد این نظام جمهوری اسلامی - اندیشه برخی این است که این ارکان را متلاشی کند. پایه ایمان را متزلزل کند. ذهن‌ها را دچار تردید کند با شبهه افکنی، کما اینکه می‌بینید بعضی‌ها مأموریت‌شان این است که بنشینند فکر کنند یک شبهه‌ای برپا کنند، جوان را متزلزل کنند حالا یا با توپ و تشر یا تهمت یا تهدید و افترا در دنیای سیاست و بعضی از دنیا‌های دیگر صاحب حقیقتی را با تحقیر پذیرای خودشان کنند و نسبت به آن حقیقتی که دارد دلسرد کنند. شما اگر یک الماس گران‌بها در اختیار داشته باشید اگر بخواهند آنرا از شما به ثمن بخرس

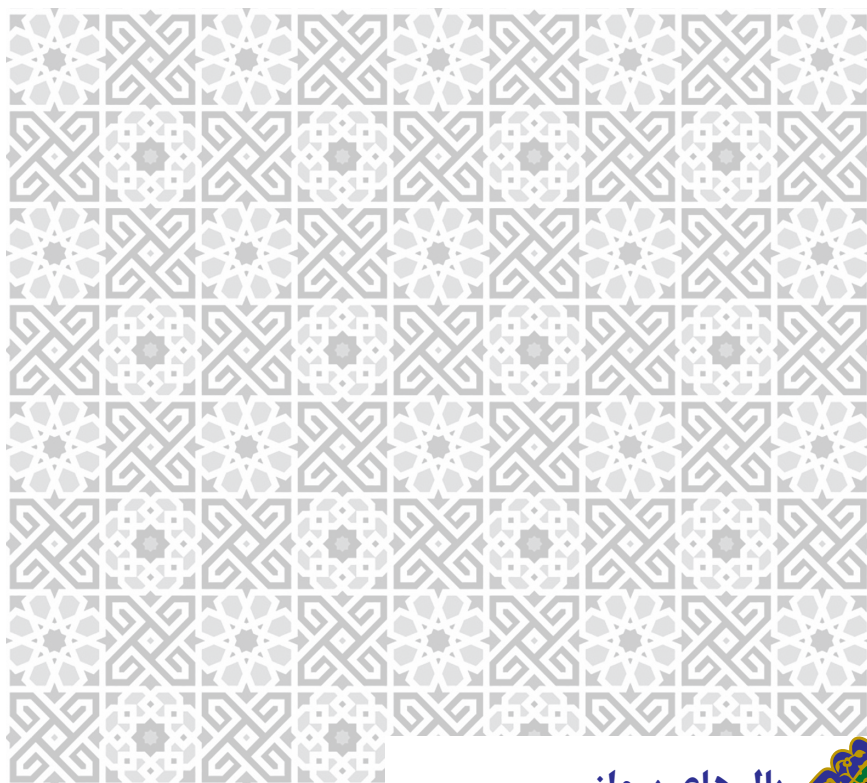
۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۸۱/۰۵/۱۷

۲- همان



بگیرند یک راه اینست؛ نفر اول بیاید بگوید: آقا این شیشه است! نفر دوم بگوید بی ارزش است و نفر سوم هم همینطور و... تا یواش یواش شما در حقانیت این الماس دچار تردید شوید و راحت تر می‌توانند آن را از شما بگیرند. یکی از کارهای رایج دنیا همین کار است»^۱.





بال‌های پرواز



«در کنار معرفت آموزی آن شور و عشق ناشی از احساس مسؤلیت لازم است. آن شور و عشقی که یک انسان آگاه و با معرفت را بی تاب می‌کند و به سمت مأموریت صحیح خود و پیمودن صراط مستقیم به حرکت درمی‌آورد. از این شور، توجه و عشق به مأموریت و مسؤلیت غافل نشوید. در کنار دانایی این احساس باید وجود داشته باشد. البته احساس بدون دانایی مضر است. به افراط و تفریط کشیده خواهد شد. به کارهای بی‌قاعده و بی‌رویه کشیده خواهد شد. دانایی بدون شور، احساس و نشاط هم هیچ کارایی ندارد. مثل سرمایه‌راکدی است که از آن هیچ استفاده‌ای نمی‌شود. اگر بخواهیم این سرمایه‌دانایی، معرفت، آگاهی و شناخت به کار

بیفتد و در خدمت هدف‌های والا قرار بگیرد، باید با همان شور و احساس مسؤلیت همراه بشود. این دوتا بال می‌تواند انسان را پرواز بدهد و به اوج برساند^۱. «نکته بعدی این است که؛ این معرفت‌ها باید ملاک فعالیت سیاسی را هم به دست شما بدهد. در یک جامعه زنده همه موظف به تلاش سیاسی هستند. تلاش سیاسی غیر از سیاست زدگی است. غیر از سیاست بازی است. تلاش سیاسی یعنی؛ آگاه شدن از جریان کنونی جامعه و خطراتی که آن را تهدید می‌کند و مشخص کردن جبهه دوست و جبهه دشمن و گرفتن موضع مناسب در مقابل آنها. این آن فهم سیاسی است که برای همه لازم است و به دنبال آن تلاش هم است. این لازم است، این باید با ملاک‌های ناشی از همین معرفت اسلامی باشد. اگر این ملاک‌ها در دست یک فعال سیاسی نباشد، جبهه‌ها را اشتباه می‌کند، جبهه حق و باطل را با هم مخلوط می‌کند، از هم تمیز نمی‌دهد. تاریخ ما پر است از نام کسانی که در اواسط کار، جبهه حق و باطل را با هم اشتباه کرده‌اند. اول با یک اشتباه پیش می‌آید. غالباً این جوری است؛ اول یک اشتباه موجب زاویه خوردن در راه و حرکت انسان می‌شود. بعد نفسانیات؛ ضعف‌های نفسانی، ضعف‌های اخلاقی، هوسها و آلودگی‌ها انسان را همین طور می‌لغزانند به طرف سقوط نهایی. و این جور می‌شود که گاهی کسانی که روزی در جبهه حق بودند، یک روز شمشیر به روی حق می‌کشند. هم در صدر اسلام این را دیده‌ایم و هم در طول تاریخ خودمان، هم در تاریخ نزدیک خودمان، در دوران مشروطیت، بودند کسانی که یک روز در جبهه حق حرکت کردند، بعد بر اثر همین عواملی که گفتیم شمشیر به روی حق کشیدند. این به خاطر این است که معیارها و ملاک‌های فعالیت سیاسی از دست انسان خارج می‌شود. این معرفت، باید این معیارها را به شما بدهد»^۲. «فعالیت سیاسی

۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۸۱/۰۵/۱۷

۲- همان



و فرهنگی دانشجو و دانش آموز بایستی به برکت این معرفت آموزی‌ها، جهت پیدا کند و رونق بگیرد؛ دانشجو و دانش آموز بداند که حالا باید چه کار کند و چه فعالیتی انجام دهد. البته در یک چنین موضعی دفع شبهه‌ها و رفع آنها یک کار سهل و آسان خواهد بود. اما هدف فقط این نیست که بنشینیم و منتظر باشیم یک شبهه‌ای به طرف ما پرتاب کنند، ما هم دنبال علاج بگردیم و شبهه را برطرف کنیم. این معرفتی که شما می‌آموزید باید شما را در میدان عمل، عمل صالح، راهنمایی کند و کمک کند و شما را با ذخیره با ارزشی از ایمان، امید و عزم راسخ وارد این میدان کند. احساس مسؤولیت کنند جوان‌ها»^۱.

«این کسب معرفت بسیار با ارزش است در همین زمینه‌های فکری و اسلامی که بسیار هم گسترده است، البته باید توجه داشته باشیم که معرفت آموزی در خلاء بدون توجه به وظیفه‌ای که این معرفت بر دوش انسان می‌گذارد چندان کارساز نیست، معرفت مقدمه عمل است. چیزی می‌آموزیم تا صراط مستقیم را بشناسیم، در آن قدم بگذاریم. در آن پای بفشاریم، و به سمت هدف‌های آن پیش برویم»^۲.

«معرفت دینی وقتی با توجه به عمل صالحی که دنبال آن است به جوان، به خصوص جوان دانشجو و دانش آموز، وقتی آموخته شد، این معرفت باید بتواند جوان را مسلح کند، مجهز کند، اعتماد به نفس را برای پیمودن راه بسیار مهم و دشواری که در پیش روی نسل امروز ماست، به او بدهد.

یک جوانی که با معرفت درست اسلامی مجهز است، همتش این نیست که فقط شبهه‌ها را برطرف کند. یعنی موضع دفاعی ندارد. موضع یک جوان آگاه دارای اعتماد به نفس از لحاظ منطق و ابزار منطقی و فکری، موضع تهاجمی است»^۳.

۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۸۱/۰۵/۱۷

۲- همان

۳- همان





هدفدار شدن زندگی و مبارزه، نتیجه فهم درست از مبانی اسلامی

«یک علت عمده‌ای که از این انقلاب می‌ترسند، همین است که این انقلاب، یک تفکر صحیح درست تعریف شده‌ی متکی بر یک جهان‌بینی صحیح و یک تلقی مستدل و متین از آفرینش عالم دارد. براساس این مجموعه، هرکسی میداند کجای دنیا و کجای راه قرار دارد و به سمت کدام هدف حرکت میکند. زندگی، هدفدار و مبارزه نیز هدفدار میشود. **در مبنا و تفکر اسلامی، هدف حیات انسان، رسیدن به درجات کمال است؛** کمال معنوی که حتماً آراستگی مادی را با خودش دارد؛ یعنی به تعبیر رایج، آخرتی که از دنیا عبور میکند. ایجاد یک جامعه‌ی عادلانه، یک

جامعه‌ی صالح، یک کشور پیشرو و معنوی، در عین حال دارای قدرت- های والای مادی، با جهت‌گیری معنوی، با اخلاق انسانی و با احساس حقیقی انسانیت. ببینید چه هدف والا و زیبایی است! غربی‌ها این را ندارند. همه‌ی این تمدنی که آنها روی هم سوار کرده‌اند و این مسابقه‌ای که وجود دارد، بر اساس فردپرستی و سودپرستی شخصی استوار است؛ لذا در این مسابقه، در یک جا پیشرفت‌هایی به دست می‌آورند، اما در چند جای دیگر، دچار اختلال می‌شوند. این اختلال‌های اخلاقی، این خلأهای فکری، این اختلالات عصبی جوانان و این آشفتگی و بی‌هدفی جوانان ناشی از آن سودپرستی و خودپرستی و شخص‌پرستی است. در نظام اسلامی، این‌گونه نیست. **تفکر فلسفی اسلام و فهم درست از مبانی اسلامی، کاری می‌کند که انسان در هر لحظه‌ای از لحظات، احساس می‌کند در کجای راه و به سمت کدام هدف حرکت می‌کند؛ قدرت تحلیل برای حوادث می‌یابد و وظیفه‌ی خودش را در هر شرایطی تشخیص می‌دهد.** امروز باید جوان ما این‌گونه باشد. البته دشمن، خوشش نمی‌آید. دشمن هر جا چنین چیزهایی را مشاهده کند، هر طور بتواند با آن مبارزه می‌کند. اهمیت کار شما و این «طرح ولایت» و این زحمات حقیقتاً ارجمندی که برای این‌گونه کارها کشیده میشود، در این جاست. شما با آگاهی، وارد عرصه‌ی حیات اجتماعی خودتان در دوران جوانی می‌شوید. این معرفت‌ها، این آگاهی‌ها - آشنایی با مبانی دین و مبانی فرهنگ محکم و استوار دینی - چیز خیلی عظیمی است»^۱.

۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۷۸/۶/۱۳

عرصه‌های مجاهدت در جمهوری اسلامی



«امروز جمهوری اسلامی در دو جهت که به هم مرتبط و متصل هم هستند احتیاج به مجاهدت فراوانی دارد. یکی اینکه در مجموعه مسایل کشور کارآمدی خود را نشان بدهد. این آن چیزی است که ما همیشه از مسؤولین دولتی می‌خواهیم. با فساد مبارزه کنند، قوانین خدا را با قوت و قدرت اجرا کنند، روش‌های صحیح را برای اداره جامعه آنچنان که اسلام خواسته برگزینند، از تخلف اغماض نکنند. با گناهکار، با متجاوز، با قانون‌شکن، با سودجو، با چپاولگر، کنار نیایند. تنبلی و کوتاهی را در ادای مسؤولیت عظیمی که بر دوش مسؤولان اجرایی کشور است روا ندارند. مسؤول اجرایی فقط قوه مجریه نیست قوه مجریه، قوه قضائیه، نیروهای مسلح هر کسی که، حتی قوه مقننه هرکسی که کاری در این نظام به عهده دارد کار خود را خوب انجام

» ▶▶▶ «اگر نسل جوان، بی تفاوت و بی اعتنا به مصالح کشور و سرنوشت کشور باشد، برای آنها خیلی بهتر است. آنها سوق می‌دادند؛ عوامل در جهت عکس تدبیر و عزم و خلوص و صفا و حرکت جوانان بود. اما یک عامل فوق العاده پیدا شد. آن عامل، فریادِ امام بود؛ فریادِ امام نه به عنوان یک شخص. حُسن بزرگ امام این بود که خود را به عنوان یک شخص، مطرح نکرد و برای خودش هم در مسائل مربوط به اسلام و مسلمین، عنوان شخصی قائل نشد. امام به عنوان یک انسان حل شده در اسلام و یک انسان دل داده به معارف الهی مطرح بود. او از بن دندان و از صمیم قلب، این معارف را پذیرفته بود و جزو جانش شده بود. او حاکمیت خدا را بر زندگی انسان قبول کرده بود؛ کما این که در زندگی شخصی خودش حاکمیت خدا را حقیقتاً پذیرفته بود؛ عبد خدا و مطیع خدا بود.»

(بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح

ولایت، ۱۳/۶/۱۳۷۸)



بدهند با اخلاص انجام بدهند. با تخلف مواجه کنند این آن چالش اول است»^۱.

«آن چالش دومی که در مقابل جمهوری اسلامی است، در زمینه تفکرات و خط کلی نظام اسلامی است که البته کاملاً با آن بخش اول هم مرتبط است. **امروز بخش عظیمی از تبلیغات جهانی متوجه این می شود که معارف اسلامی در باب حکومت را مورد تردید و خدشه قرار بدهد** و فرهنگ و معارف و فراوده‌های ذهنی خود را که بارها هم تخلفش ظاهر شده است ناکارآمدی اش نشان داده شده است آن را بر ذهن جوامع مسلمان و از جمله مردم کشور ما و از جمله مسئولین ما تحمیل کنند. من دیروز به مسؤولان بلند پایه کشور که اینجا بودند گفتم: یکی از خصوصیات دولت کریمه نفوذ ناپذیری است. معنای نفوذ ناپذیری معانش این نیست که انسان در مقابل سخنی با اندیشه‌ورزی مطالعه و تفکر نکند این معنایش نیست معنایش این است که در مقابل وسوسه دشمن در مقابل بوق و جنجال دشمن در مقابل مسلم گرفتن یک غلط از سوی دشمن و پرتاب کردن او به سوی افکار عمومی تسلیم نشود. امروز این جوری است. اولین کار مهمی که اینها دارند این است که در اساس این مبنا خطشه ایجاد کنند و آن مسأله این است که آیا دین اساساً می تواند اداره امور زندگی انسان‌ها را به عهده بگیرد یا نه. این یک تعبیر دیگری است که اصلاً آیا دین درست است یا نه؟! یک تعبیر پنهانی و منافقانه‌ای است از اینکه اصلاً دین آیا رسالتی دارد یا نه، چون خودش می گوید من آماده‌ام دنیا و آخرت مردم را اداره کنم. اگر کسی شک کرد در این که آیا دین می تواند تنظیم امور سیاسی و اجتماعی، اقتصادی جوامع را اداره کند این در حقیقت دین را تکذیب کرده. کدام دین است که چنین ادعایی نداشته باشد. **«و ما ارسلنا من الرسول الا لیطاع به**

۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۷۸/۶/۱۳





اذن الله لقد ارسنا رسلنا بالبينات تا آنجایی که ليقوم الناس بالقسط»
اصلاً برای این است که جامعه را نظام بدهند، جامعه را اداره کنند، انسان‌ها را در هیأت اجتماعی‌شان اداره کنند. ادعای خود دین این است. اگر کسی این را انکار کرد در واقع اصل دین را انکار کرده. این همان تغییر جهت کلی است این جزء کارهایی است که در برنامه بسیار حساب شده و پیگیر دشمنان نظام اسلامی و جمهوری اسلامی این وجود دارد. هم در این بخش کار می‌کنند هم در کار آمدی»^۱.

«شما ببینید عین همین قضایا در صدر اسلامی هم بوده است. ملاحظه کنید این سوره مبارکه احزاب را خدای متعال در اول سوره مبارکه احزاب در سه آیه خطاب به پیغمبر چه جوری حرف می‌زند «يا ايها النبي اتق الله ولا تطع الكافرين والمنافقين» مبادا ای پیغمبر مراقبتی را که بر عهده توی پیغمبر در حد پیغمبری است از دست بدهی و گرایش پیدا کنی به آن جهتی که کفر و نفاق از تو توقع دارد «ان الله كان عليماً حكيماً» یعنی تقوای پیغمبر با تقوای انسان‌های عادی قابل مقایسه نیست. یعنی توقعی که از پیغمبر هست به عنوان رهبر دنیای اسلام در تمام طول تاریخ رهبر بشریت در تمام طول تاریخ از زمان خودش تا قیامت، تقوای یک چنین انسانی با تقوای یک انسان معمولی قابل مقایسه نیست. خدای متعال او را به این وظیفه متوجه می‌کند اتق الله رودروایستی هم که خدا با پیغمبر ندارد. خوب، و اتباع ما یوحی الیک من ربک، پس تسلیم کفر و نفاق نشو و وظیفه و خطی که باید مشی کنی چیه، این است که «و اتباع ما یوحی الیک من ربک، ان الله کان بما تعملون خبیراً». مکتب الهی را خط الهی را تعلیم الهی را آن چیزی را که در اختیار تو گذاشتند برای اداره انسان‌ها، آن را با کمال دقت و مراقبت حفظ کن، از او پیروی کن»^۲.

۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۸۰/۰۶/۰۶

۲- همان

«در آیه بعدی با پیش‌بینی همین دشمنی‌ها یک دستور روحی به عنوان کمک معنوی به پیغمبر داده می‌شود و توکل علی‌الله و کفی بالله وکیلا بدیهی است که این کار دشمنی‌ها را برمی‌انگیزد صفوف را علیه تو مستحکم می‌کند، به خدا توکل کن تکیه کن به خدا و بدان که ابزار کار را خدا در اختیار تو قرار داده.... امروز جوانهای عزیز ما در هر دو میدان بایستی هوشیار باشند. و شما بحمدالله با تشکیل این جلسات و این کلاس‌ها و این دوره‌هایی که داشتید قدم‌هایی را در این زمینه برداشتید»^۱.

«یک روز کسانی راه افتاده‌اند یک کار بزرگی انجام داده‌اند، این شروع بود. آغاز راه بود. کار بزرگی هم شد. نسل‌های بعدی وظیفه دارند هر کدام به نوبه خود وظیفه خودشان را انجام بدهند. **گاهی وظیفه شما که در دوره انقلاب و در دوره مقدمات انقلاب در دنیا نبوده‌اید از وظیفه ماها که آن روز بودیم هم سنگین‌تر است، هم شیرین‌تر است، هم آثار آن ماندگارتر است.** گاهی این جور است. بازکردن یک تونل کار مهمی است؛ اما مستحکم نگه‌داشتن این تونل که نریزد، پایه‌های محکمی برای آن فراهم کردن که بتواند ماندگار باشد، این خیلی اهمیتش بیشتر است و الا خوب یک بلدوزر می‌آید یک تونل را باز می‌کند فرضاً شما آن پایه‌ها را می‌خواهید مستحکم کنید»^۲.

«این فعالیت و تلاشی که شما باید بکنید هدفش چیست؟ هدف همان که عرض کردم؛ به تکامل رساندن انقلاب. انقلاب ما یک انقلاب بسیار بزرگ و همه‌جانبه است و پیام و دستورالعمل برای اساسی‌ترین نیازهای بشر دارد. خیلی از این‌ها مثل همان شکوفه‌هایی که بسته مانده است، فضای مناسب، هوای مناسب برای اینکه این شکوفه باز بشود و تبدیل به میوه بشود به وجود نیامده است. این دلیل بر این نیست که این درخت سترون است،

۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۸۱/۰۵/۱۷

۲- همان



نه، این درخت بار آور است. باید کمک کرد که این شکوفه‌ها باز بشود. اگر موانعی وجود داشته که نشده، این موانع را شماها باید برطرف کنید. نسل آینده مسؤولیت دارد. این جور نیست که ما خیال کنیم، بعضی‌ها می‌شنویم که می‌گویند: نسل دوم، نسل سوم؛ تلقی آنها از نسل سوم این است که یک عده آماده‌خوار که از دستاوردهای حاضر و آماده دیگران می‌خواهند استفاده کنند، اگر نبود قهر می‌کنند و اعتراض می‌کنند که چرا آماده نیست. این معنای مسؤولیت در منطق درست عقلی و در منطق اسلام نیست»^۱.

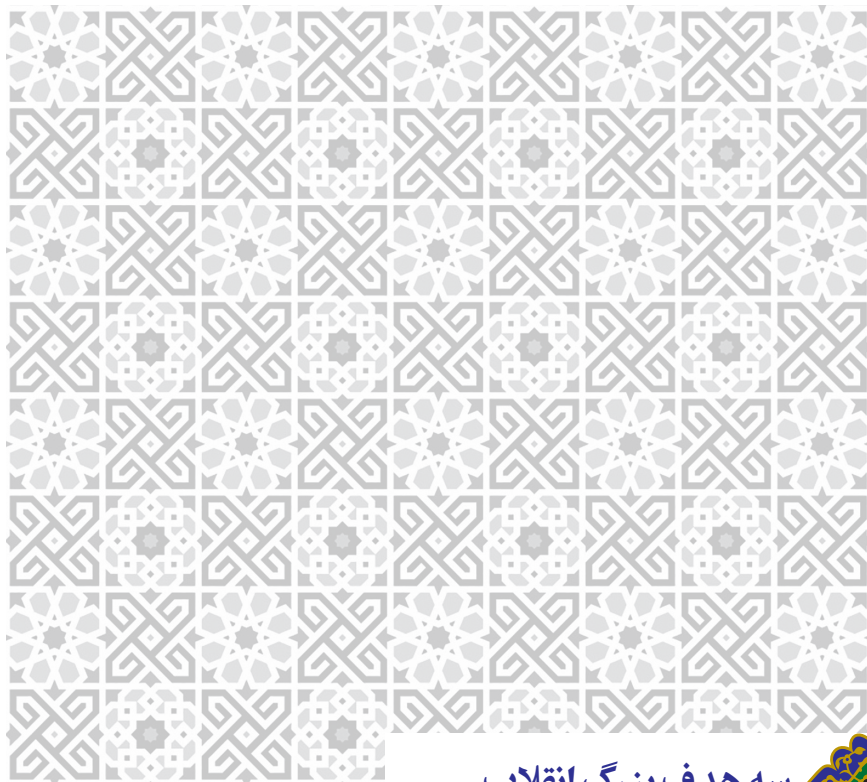
«اگر نسل جوان دانشجو بخواهد یک حرکت مؤمنانه‌ی انقلابی انجام دهد، معنایش بسیج شدن این قشر در راه خداست. البته امروز جنگ نداریم؛ لذا این بسیج، ماهیت و هویت نظامی پیدا نمی‌کند. **برای تداوم راه انقلاب، برای عمق بخشیدن به فکر انقلاب و به این اندیشه‌ی بلند و بزرگ، بسیج شوید.** فلسفه‌ی انقلاب، یک بنای فکری شامخ است؛ بنایی فکری و دارای آن قدر استحکام که توانست یک نظام را که بزرگترین قدرت‌های دنیا پشتیبانش بودند، منهدم و زیر و رو کند، یک نظام نو به وجود آورد و تمام کسانی را که در دنیای امروز، چیزی شبیه آن نظام منهدم شده دارند، به خود بلرزاند! آری؛ به خود لرزیدند.

این است که هنوز هم که هنوز است، تا حرف می‌زنند، می‌گویند جلو این صدور انقلاب را بگیرید؛ ما از این صدور انقلاب، خیلی می‌ترسیم! این یعنی چه؟ یعنی این که فلسفه‌ی مستحکم قوی خوش‌بنیه‌ی اسلامی و الهی و قرآنی، همه‌ی کسانی را که وجه مشترک زیادی با آن نظام دارند - که این فلسفه، آن را منهدم کرده است - به خود می‌لرزاند! یک چنین چیزی است. این را به روشنی دریابید؛ اعتقاد و ایمان به آن را در دل‌های خودتان و در دل‌های دیگران، عمیق کنید»^۲.



۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۸۱/۰۵/۱۷

۲- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۷۷/۰۹/۲۵



سه هدف بزرگ انقلاب



«اساس این انقلاب بر چه بود؟ یکی از شعارهای مهم و عمده که در دل خود خیلی چیزهای دیگری هم دارد عدالت خواهی اسلامی بود. عدالت یک معنای بسیار وسیعی است. پسوند اسلامی هم به دنبال عدالت بسیار پر معنا است. این جور نیست که ما همین طور بگوییم عدالت اسلامی، یک تصویر مبهمی هم از عدالت طبق یافته‌های گوناگون در ذهن داشته باشیم.. پسوند اسلامی که نشان می‌داد خانه این عدالت خواهی بر روی مبانی فکری اسلامی، استوار شده است این احساس عزت را در مسلمان‌های دنیا بیدار کرد. همه مسلمان‌های دنیا احساس غرور کردند. احساس هویت کردند. برجستگان مسلمانان دنیا صدها بار به ماها که در مسؤولیت‌های گوناگون

جمهوری اسلامی بودیم، پیغام دادند که ما هویت خود را باخته بودیم. ما به عنوان مسلمان هضم شده بودیم. شما به ما هویت دادید. ما را زنده کردید. این کاری بود که جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی کرد^۱.

«وظیفه اساسی برای همه در هر جا که هستند این است که بتوانند کاری کنند زمینه تحقق شعارهای اساسی، که یکی از مهمترین هایش همین عدالت خواهی است، را به وجود بیاورند. البته عدالت همانطور که گفتم در اسلام دارای مفهوم خیلی وسیعی است. مفهوم عدالت یعنی تأمین همه نیازهای مادی و معنوی انسان. این «اعطاء کل ذی حق حقه» که معنای عدالت است، یعنی هر صاحب حقی را به حق خودش رساندن، خوب شما ببینید حقوق انسان‌ها چقدر دامنه وسیعی دارد. تأمین همه اینها می‌شود عدالت؛ یعنی عدالت یک چنین معنای وسیعی دارد. در بطن خود این عدالت طبعاً آزادی را هم دارد. آزادی به معنای درست، نه آزادی به معنای غلطی که آنها ترویج کردند، دنبال کردند و مدعی شدند»^۲.

«علاوه بر اینها، معنویت هم در این انقلاب هست. یعنی فقط آزادی و برابری نیست. آزادی و عدالت به آن معنای اسلامی همراه است با معنویت؛ آن خلاء عمده‌ای که امروز غرب دچار آن هست و خودشان هم متوجه شده‌اند. ... شما جوان‌ها با سلاح معرفت، با آگاهی‌ای که به دست می‌آورد بایستی بتوانید این پرچم [عدالت، آزادی و معنویت] با پسوند اسلامی را برافراشته نگه دارید، خیلی وظیفه سنگین و بزرگی است»^۳.

«بنابراین این سه خواسته بزرگ برای یک کشور که از جوان‌های با همتی برخوردار باشد اینهاست که بتوانند به «عدالت و آزادی و استقلال» دست پیدا بکنند. هم کمیّت جوان و هم انگیزه و همت جوان مهم است»^۴.

۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۸۱/۰۵/۱۷

۲- همان

۳- همان

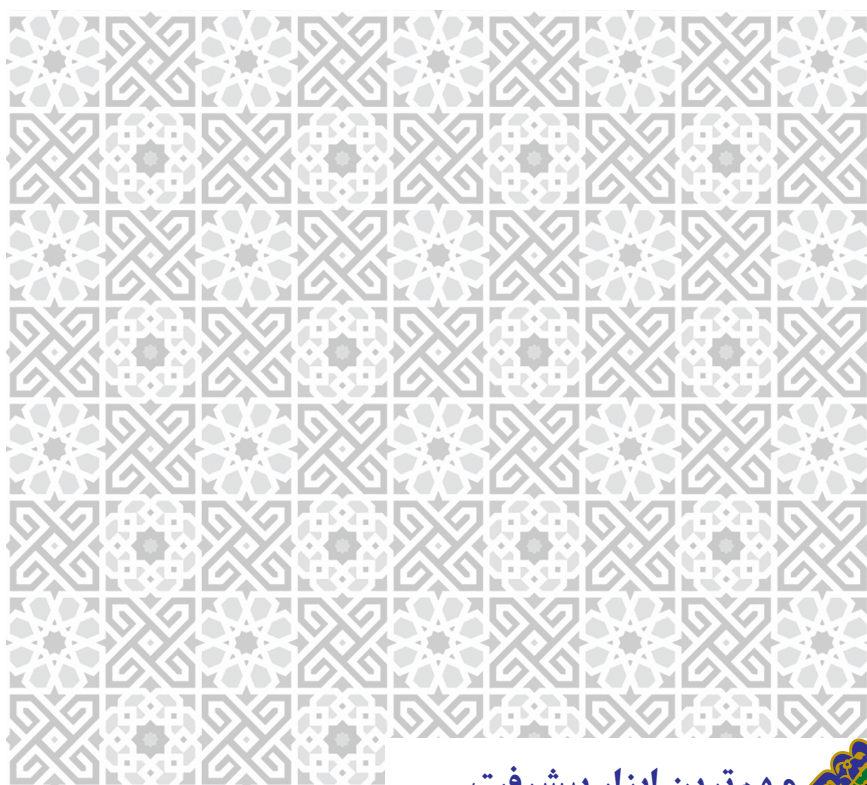
۴- همان



«در مورد انقلاب اسلامی شعارها و هدف‌هایی که این انقلاب ترسیم کرده با ذات انسان و نیازهای ذاتی انسان آمیخته است. هدف‌های این انقلاب همانطور که گفتیم عدالت خواهی، تکریم انسان، مبارزه با ستمگری و دفاع از مظلوم است. پرکردن شکاف‌های طبقاتی است، جلوگیری کردن از آن چیزی که امیرالمؤمنین در آن بیان شریف ماندگار فرمود: «**علی کظة ظالم و سغب مظلوم**»^۱ از سیری و پرخوری ترکیدن یک دسته ستمگر و از گرسنگی به جان رسیدن یک دسته دیگر. این شعارها شعارهای این‌هاست این شعارها هرگز کهنه نمی‌شود. در طول تاریخ نیازهای اصیل انسانی یکسان است و انقلاب اسلامی و اسلام این نیازها را مورد توجه قرار می‌دهد»^۲.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۳
۲- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۸۱/۰۵/۱۷





مهم‌ترین ابزار پیشرفت



◆◆◆ ابزار پیشرفت، بیش از همه چیز، سلامت عزم و اراده‌ی انسانی و داشتن یک هدف جمعی است. (بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۷۸/۶/۱۳)

«ابزار پیشرفت، بیش از همه چیز، سلامت عزم و اراده‌ی انسانی و داشتن یک هدف جمعی است، تا همه به آن هدف توجّه کنند، آن را قلباً بپذیرند و با قدرت به سمت آن هدف حرکت کنند. این کار از همه‌ی افراد جامعه متوقع است، اما عمده‌ترین عامل این حرکت جمعی در هر جامعه، جوانان هستند. ببینید؛ نسل جوان این قدر اهمیت دارد»^۱.

۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۷۸/۶/۱۳

«حاکمیت الهی از این جا شروع می‌شود: اول دلمان را بندهی خدا کنیم؛ خدا را بر دل و بر وجودمان حاکم نماییم و بعد در سمت ایجاد حاکمیت «الله» بر کلّ فضای زندگی جامعه و کشور، حرکت کنیم، تا بعد به دنیا برسیم. انسان‌هایی با این خصوصیت می‌توانند کار کنند و پیش بروند و امام، حقیقتاً در این میدان، امام و رهبر الهی بود؛ لذا فریادی که او سرداد، فریاد اسلام و فریاد خدا بود و به برکت نام و راه خدا، با دل‌ها رابطه برقرار کرد و دل‌ها را در قبضه گرفت. همیشه



همین طور است که وقتی پای یک امر الهی به میان آمد، بافته‌های طاغوتی به خودی خود کنار زده می‌شوند. مهم این است که آن امر الهی، آن عزم و آن اقدام الهی، قدم به میدان بگذارد: «فاذا دخلتموه فانکم غالبون»^۱. کنار که بنشیند، هیچ اثری ندارد. بزرگترین انسانها، بالاترین تقدّس‌ها و دانش‌ها، وقتی وارد میدان نشود و کنار بنشیند، همه‌ی امواج از روی سر او رد خواهد شد و عقب می‌ماند»^۱.

▶▶▶ حاکمیت الهی از این جا شروع می‌شود: اول دلمان را بندهی خدا کنیم؛ خدا را بر دل و بر وجودمان حاکم نماییم و بعد در سمت ایجاد حاکمیت «الله» بر کلّ فضای زندگی جامعه و کشور، حرکت کنیم، تا بعد به دنیا برسیم. انسان‌هایی با این خصوصیت می‌توانند کار کنند و پیش بروند و امام، حقیقتاً در این میدان، امام و رهبر الهی بود؛ لذا فریادی که او سرداد، فریاد اسلام و فریاد خدا بود و به برکت نام و راه خدا، با دل‌ها رابطه برقرار کرد و دل‌ها را در قبضه گرفت.

(بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳/۶/۱۳۷۸)

«امام این کار را کرد؛ لذا دل‌ها جذب شد. بعضی تعجب میکنند و در تحلیل این پدیده مانده‌اند که چطور شد در آن نظام فاسد و باطل که

۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳/۶/۱۳۷۸



همه‌ی عوامل فرهنگی، جوانان را به سمت فساد سوق میداد، ناگهان جوانان جلو آمدند و این انقلاب عظیم، راه افتاد! علت، این است. این تحلیل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی کاملاً واضحی هم دارد. امام با مَرکبِی وارد این میدان شد که هر که بر آن مَرکب، سوار باشد، میتواند همه‌ی خفتگان سالم را بیدار کند»^۱. «یک موجود زنده سعی می‌کند با طرق مختلف سیاسی،



▶▶▶ در طول تاریخ هر جا شما پرچم بر افراشته حقی را ملاحظه می‌کنید، در پای آن پرچم یک جمع جوان با ایمان خواهید دید غیر از این نمی‌شود.

(بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۸۰/۰۶/۰۶)

بزرگترین هنر این انقلاب که امام آن را فتح الفتوح انقلاب دانستند، این بود که توانست جوانانی را تربیت کند که در دنیای مادی آلوده و از لحاظ اخلاقی، لجن‌زار، انسان‌هایی با دل‌های پاک و نورانی و با تصمیم‌های راسخ باشند و هوشمندانه و خردمندانه، راه بزرگان بشریت و راه سعادت بشر را انتخاب کنند.

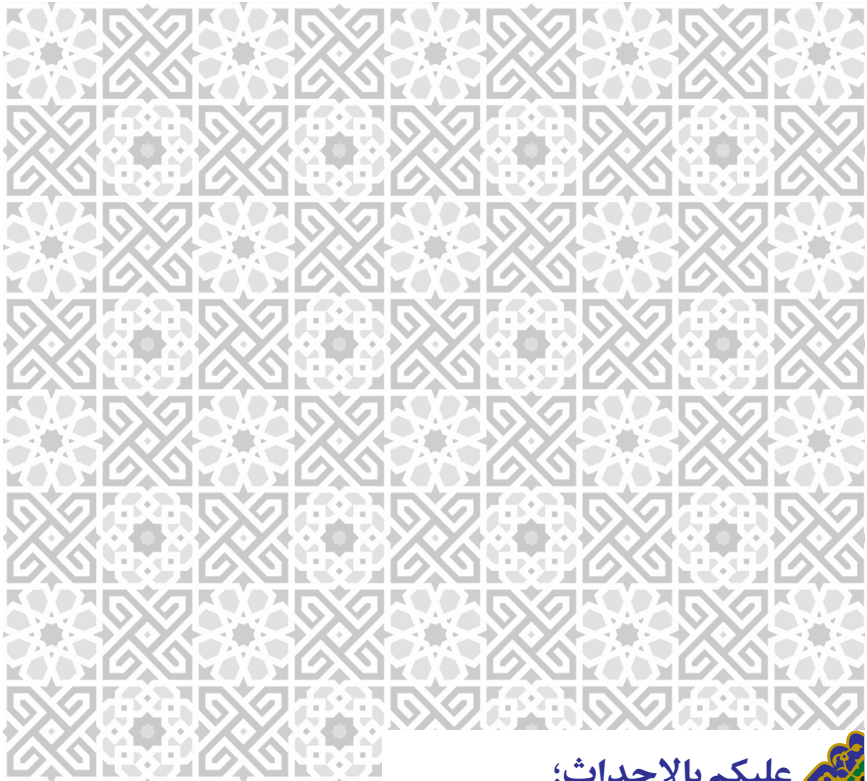
(بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۷۷/۰۹/۲۵)

نظامی و با تدبیر و عقل از خودش دفاع کند و آسیب را از خود دور کند. اما شرطش این است که زنده و سرپا باشد. به خودش اعتماد داشته باشد و صلاحیت را در خودش حفظ کرده باشد. خطر عمده این است. این که ما گاهی به مسؤولین یک توصیه‌هایی می‌کنیم، به مردم عزیزمان توصیه‌هایی می‌کنیم، برای این جنبه دوم است. ما باید صلاحیت انقلابی را در خودمان نگه داریم و حفظ کنیم. اگر این حفظ شد ایدئولوژی انقلاب هیچ کم و کسری ندارد. **شعارهای انقلاب زایل شدنی نیست و تاریخ مصرف آن تمام شدنی نیست. آنها همیشگی است.** ما باید در خودمان این صلاحیت را تقویت کنیم»^۲.

۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۷۸/۶/۱۳

۲- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۸۱/۰۵/۱۷





علیکم بالاحداث؛ بر شما باد به جوانان

«همیشه هم همین جور است. در طول تاریخ هر جا شما پرچم بر افراشته حقی را ملاحظه می‌کنید، در پای آن پرچم یک جمع جوان با ایمان خواهید دید غیر از این نمی‌شود. فرمودند: «علیکم بالاحداث» بر شما باد به جوانان، خود پیغمبر اکرم هم در مدینه این بار سنگین را و پیش از آن در مکه در آغاز بعثت بر دوش یک تعدادی از جوان قرار دادند و الا این بار به منزل نمی‌رسید هم نیروی معنوی جوانان، نیروی روحی جوانان، انگیزه، نشاط، روحیه، حق‌پذیری، کمی تعلقات دنیوی و هم توانایی و طاقت جسمی جوان آنها را برای کارهای بزرگ آماده می‌کند و وقتی که معرفت ایمانی روشن و متین

و مستدل از سوی پیغمبران به این دل‌های نورانی و به این روح‌ها تلقین و منتقل می‌شد، آن وقت همان چیزی به وجود می‌آمد که از او تعبیر شده است به زبر الحديد یعنی پاره‌های پولاد آبدیده»^۱.

«بزرگترین هنر این انقلاب که امام آن را فتح الفتوح انقلاب دانستند، این بود که توانست جوانانی را تربیت کند که در دنیای مادی آلوده و از لحاظ اخلاقی، لجن‌زار، انسان‌هایی با دل‌های پاک و نورانی و با تصمیم‌های راسخ باشند و هوشمندانه و خردمندانه، راه بزرگان بشریت و راه سعادت بشر را انتخاب کنند»^۲.

«این انقلاب است؛ انقلاب ارزش‌ها یعنی این؛ یعنی آن چیزهایی را که برای یک جوان، مهم است تغییر می‌دهد. برای یک جوان، مهم این بود که فلان عطر را بزند، فلان نوع کفش را بپوشد، موهایش را فلان طور آرایش کند و در فلان خیابان، یک ساعت، دو ساعت راه برود! نه به فکر پیشرفت و آبادانی کشور، نه به فکر پرکردن شکم فقرا، نه به فکر اندکی سر و صورت دادن به اوضاع کشور، نه به فکر اندکی آباد کردن و نورانی کردن دل خود! غرق در همین مسائل مادی که نقطه‌ی اوچش -فرضاً- یک شهوت‌رانی در امور جنسی، یا در امور خوراکی بود!»^۳.



۱- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۸۰/۰۶/۰۶

۲- بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۷۷/۰۹/۲۵

۳- همان



طرح ولایت بایستی فراگیر شود



◀◀◀ به نظر من این طرح بایستی فراگیر شود. این گونه طرح‌ها آن قدر مفید و خوب و سازنده است که هر چه درباره‌ی آن سرمایه‌گذاری شود، به نظر من زیاد نیست. دنیای اروپا، دنیای مسلط امروز - که عمدتاً همان دنیای غرب و من تبعش هستند - مهمترین خلأ را دارند و آن، خلأی یک فکر، یک اندیشه‌ی راهنما و به اصطلاح متداول، یک ایدئولوژی است که متکی به یک فکر صحیح و یک تلقی درست از عالم و جود باشد. مهمترین خلأی آنها نداشتن این است؛ لذا مرتب سعی میکنند ایدئولوژی‌های دروغی، درست {کنند} و تزریق کنند.

(بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۷۸/۶/۱۳)



◀◀◀ آن چه من را به این اجتماع، به این برنامه، به این اردو و به این مجموعه علمی-آموزشی و فرهنگی دل‌بسته و معتقد می‌کند این است که در اینجا آمیزه‌ای از علم و ایمان، از تفکر و عاطفه مشاهده می‌شود. اشتباه می‌کنند کسانی که خیال می‌کنند این عواطف برخاسته از شور ایمان را از نسل جوان مؤمن این کشور می‌توان جدا کرد. و اشتباه می‌کنند کسانی که این عواطف را دست کم می‌گیرند. از خداوند متعال می‌خواهیم که ادعیه ذاکیه حضرت بقیه‌الله ارواحنا فدا را شامل حال شما و همه جوان‌های ما بفرماید. روح مطهر امام بزرگوار را مشمول رحمت و رضوان خود قرار بدهد. ارواح طیبه شهدای عزیز را با ارواح انبیاء و اولیاء محشور فرماید و همه ما را عاقبت به خیر کند. آمین والسّلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته.

(بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان طرح ولایت، ۱۳۷۹/۰۶/۱۰)

